

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خدا

# صلح قرآنی سوم

مؤلف:

حسین جمشیدیان قلعه سفیدی

(ویرایش دوم)

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۰

نام کتاب: صلح قرآنی سوم  
مؤلف: حسین جمشیدیان قلعه سفیدی  
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۷۰۱-۵  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



تقدیم به کسانیکہ:

نقائص اینسرتب رولجرولہ و

خطا ہارولہ کوشنرد مر نمایند.

ببر نهایت

و

خلوند بزرگ و حکیم

سنگ مرغانیم.

## مقدمه

زیبایی ماه شب چهاردهم را همه درک می کنند بجز کسانی که سرشان از کارهای های زمانه درد گرفته و نمی توانند یا نمی خواهند سر بالا کنند و کسانی که زود قانع می شوند و هر بار کم رنگ تر نگاه می کنند.

هدف این است تا نهال تنهایی را از زمین برداریم و از زمین اندکی فاصله گرفته به همسایه ماه ببریم برایش چشم و گوش دوباره بکشیم تا از فاصله ی دورتر به زمین و نزدیک تر به خورشید لذت برد و قصه های بسیار این واسطه را که سعی می کند نور خورشید را برای شبهای ظلمانی ما بتاباند را هم بشنویم و این نور گردانی ها را در ضمیر خود تمرین کرده وقتی به زمین بازگشتیم از تنهایی خارج شویم و با کمک همدیگر به پایش نهر قرآنی بکشیم و در زیر سایه ی لطیفش در باره صورت و سیرت آیات و نشانه های حق به گفتگو نشستیم و به ژرفای آنها نور ماه پاشیم و بیش از آنکه قصد گفتن داشته باشیم قصد شنیدن داریم .

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته ی خویش آمد و هنگام درو

البته می دانیم که شب های بدون مهتاب و روزهای بدون گفتگو هر یک به تناوب می گذرد . لذا گفتگو ها را یکی در میان همانقدر ادامه می دهیم که شب های مهتابی اجازه می دهد به امید آنکه روزهای خوشه چینی و درو فرارسد و برای این روزها هم باید فکری کرد که بیشتر در توان ما نیست . روزی فردا را شاید کسی از دل دریا بیرون آورد شاید روزی شود که همه از سیرت ها مثال بیاورند و آهنگ آنها را بنوازند ما از زمستان شروع کردیم شاید شما فصل دیگری بگشایید .

اما شما این کتاب را نخوانید کتاب خودتان را بخوانید که ما از آن بسیار اقتباس نمودیم این کتاب فقط چند تصویر از میلیارد ها تصویری که در سراسر جهان ما وجود دارد را به تعداد عدد و اندی عکاسی کرده است .

زیرنویس عکس ها هم قدری در چهارچوب قرار دارد امروزه بیشتر زیر نویس ها انتقادی است و این کار از عهده هر کسی بر می آید همه آن ها رنج امروز و قرآن دیروز است .

اگر در جایی کوتاه آمدم رعایت حال خوانندگان فهیم را کرده ایم . این کتاب یک شبکه اجتماعی برای کسانی است که در نور مهتاب زندگی می کنند و جای خالی بسیاری از کامنت ها و نظرات در آن خالی است .

به رسم معمول ، آداب و رسومی زیر شیشه، برای هر نویسنده مبتدی وجود دارد که برای بزرگان نیست و رنگ آن پیش داوری ها را پر می کند بنابراین شما به مصداق :

[زمر: ۱۸] الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ.

این نوشته را کنار نگذارید و یا سر سری نخوانید .

علی ایها الحال نوشته های قلب قرآنی شما اگر به آنها نگاه شود بسیار پررنگ تر و گویا تر از نوشته های دیگران برای خودتان است . ما هم نوشته های خدا را مرکب نوشته ی خود قرار داده ایم و همه را بالا و پر رنگ نوشته ایم اما سعی کرده ایم بیشتر، آیاتی که در قرآن با سرعت های نامناسب از کنار آن گذشته شده است را مورد توجه قرار دهیم .

آنچه خواهید خواند شاید در بسیاری از موارد با نگرش های امروزی فاصله داشته باشد لکن در هیچ بخشی، پایان قرار نداده ایم تا گفت و گو تحت هر عنوانی ادامه یابد.

در ویرایش دوم مقداری از کلمات جا مانده را آورده ایم .

**Haj41hossein@gmail.com**



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	فصل اول: تفریق نگاه
۱۵	از ذاکر بودن
۱۷	از آرامش
۲۱	از فضا سازی
۲۳	از رصد کائنات
۲۶	از ملاحظت های آغازگر
۲۸	از تفکر و تدبّر
۳۷	از اخلاص
۴۰	از قرائن
۴۲	از اهداف شاخص
۴۳	از مثال ها
۴۸	از معانی غیر رسمی
۵۷	از رنج و گنج
۶۰	از تشنگی
۶۴	از سیاق سوره ها
۷۴	از ستاره های ثابت در میان فضاهاى متغیّر (حروف نورانی)
۷۴	از (هود)
۷۷	از نمل و سبأ
۸۵	از چنین نیست که

۹۱	فصل دوم: باضافه نگاه
۹۳	با آسمان قرآن
۹۷	با پیامبر
۱۰۰	با معرفت
۱۰۶	با احزاب دیگر
۱۰۹	با صدر آیات
۱۱۴	با تفصیل به حدود
۱۲۳	با سبکی و شناوری
۱۲۶	با مسخرات
۱۳۰	با فجر
۱۳۴	با چشم ها و قمر های مصنوعی
۱۳۸	با مفتاح
۱۴۰	با تبدیل و تنوع
۱۴۵	با فضا دعا و القی
۱۵۱	با دعا
۱۵۵	با تخیل و هنر
۱۵۸	با ایّاک نعبد و ایّاک نستعین
۱۶۱	جمع محفل یاران
۱۶۳	فصل سوم: ضرب نگاه
۱۶۵	در آسمان قرآن
۱۶۷	در جریان ابر و باران
۱۷۰	در محضراعجاز

۱۷۵.....	در پویش گام های منفی.....
۱۸۱.....	در پاسخ خداوند به نه گام مذکور.....
۱۸۴.....	در واحه ها.....
۱۸۶.....	در سید کالا.....
۱۹۰.....	در مقرری صلوات.....
۱۹۲.....	در تقریب متفرقات.....
۱۹۸.....	در پیمانہ ها.....
۲۰۲.....	در توان مذهب.....
۲۲۰.....	در نصرت های الهی.....
۲۲۴.....	در پناه خدا.....
۲۳۱.....	<b>فصل چهارم: تقسیم نگاه.....</b>
۲۳۳.....	برای بهترین انتخاب.....
۲۴۰.....	برای نوشته قرآنی.....
۲۵۰.....	برای سلام.....
۲۵۴.....	برای مسلمانی.....
۲۵۷.....	برای دریایی شدن.....
۲۶۳.....	برای تلاش بیشتر.....
۲۷۱.....	برای نهال انسانی.....
۲۷۶.....	برای نور چشم.....
۲۸۴.....	برای دوری از شیطان.....
۲۹۴.....	برای اقتدا به طیبات.....
۳۰۲.....	برای نیایش.....

۳۰۷..... برای مقسوم علیه

۳۱۵..... باقی مانده

۳۱۶..... برای امتحان تقسیم

۳۱۷..... نتیجه

۳۱۷..... منابع

فصل اول:

تفریق نگاہ



## از ذاکر بودن

باب این گفتگو را از جایی آغاز می‌کنیم که امروزه سطح تماس آن با دست و شالوده‌ی ذهن، بیشتر از هر چیز دیگری است هرچند هستند بهترین‌هایی که هم طنین آوازشان خوش تر است هم ارتباط روح افزایی برقرار می‌کنند. هم می‌شود با آن‌ها کار، هم بازی کرد.

دستگاه تلفن همراه را برمی‌داریم، گرد و غبارنگرفته آن را پاک می‌کنیم و یک بار تلاش می‌کنیم تا ببینیم از زیر صفحه‌ی ظاهر آن چیز دیگری خوانده می‌شود یا نه.

این پیشنهاد را می‌توان با همه چیز انجام داد و هر چه هست و با آن زندگی می‌کنیم همه را آیات خدا می‌دانیم و می‌توان از هر کدام قصه‌ی شنید که در زیر ظاهر آن پنهان است مثل همیشه از دیگران نخواهیم تا یکسره خاموش باشند و پنجره‌ها را باز کنیم شاید پرنده هم قصه‌ی داشته باشد شاید هم بخواهد داستان ما را گوش کند.

سیستم رفتار موجودات زنده با هم متفاوت است یا به عبارتی سیستم نرم‌افزاری موجودات زنده با هم متفاوت است. در ساختار هر یک مانند موبایل یا کامپیوتری که ما با آن مشغول هستیم یک نرم افزار پایه وجود دارد که وظیفه راه اندازی بدنه و ارتباطات ساختاری را انجام می‌دهد و از آن به نام‌های فطرت و یا غریزه یا سیستم عامل یاد می‌کنند.

در فضای موبایل پس از نصب نرم افزار اصلی یا سیستم، نرم افزارهای کاربردی موقعیت نصب پیدا می‌کنند. در آفرینش هم، همه مخلوقات نرم افزار اصلی و خاص خود را هنگام تولد بارگذاری

می‌کنند. این یک نرم افزار سیستم است که تا پایان عمر کار می‌کند اما اب مخصوص انسان با دیگران فرق دارد و هر کسی می‌تواند روی آن برنامه نصب کند یا حتی در سورس و منابع آن تغییراتی بدهد.

هر انسانی اختیار نرم افزار اصلی خود را دارد و می‌تواند آن را تغییر دهد، فرمت کند و یا هر بد افزاری را روی آن نصب کند، دیگران و شیاطین هم این کار را به دشمنی انجام می‌دهند. ولی برنامه‌های مفید رایگان کمتر وجود دارد خصوصاً اگر به دنبال نوع خاصی باشیم باید خودمان آن را برنامه نویسی کنیم.

برنامه هایی وجود دارند که کار برنامه نویسی را برای ما آسان انجام می‌دهند و قرآن یکی از بزرگترین آنها است.

قرآن کدهایی به ما هدیه می‌دهد که توانایی ما را در زمینه تمام خوبی‌ها بالا می‌برد. همچنین قرآن کتابی است که مشخصات بدافزارهای تولید شده را دارد و به معرفی نرم افزارهای مفید نیز پرداخته شده است و خصوصیات آنها را نیز از زبان گذشتگان و تمثیل و ایما و اشاره و با زبان خاص خود بیان می‌کند.

برای کسانی که برای بار اول قرآن را می‌خوانند زبان اول آن عربی است احتمالاً با ترجمه، اما در دفعات بعد ممکن است به زبان قلب، دل و یا احساس سخن بگویند و یا خوانده شود و دامنه‌ی آن را با هر بهانه‌ای گسترش می‌دهد، با آموزش‌های مستقیم خالق به مخلوق، از راه دور و نزدیک با تله پاتی خاصی لوح یادگیری، حمایت و همراهی می‌شود. راز این کار معلوم نیست وعده‌ای بوده اند که در صغر و یا کهل سن در آن متبخر و مستفید شده‌اند.

سوره: ص آیه: ۱- ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ.

خط و خطوط ذکر تراوش حاصل از دستگاه‌های خط تولید آن است و آن وقتی است که اجزای درون، همدیگر را فراخوان می‌دهند مثل آنکه عقل و چشم و گوش و هوش صدای حقیقی همدیگر را بشنوند و بر همدیگر بنوازند، آنوقت سمفونی ذکر، تولید می‌شود. و لذت ذکر فقط برای خواننده



مفهوم است. در اینجا دستگاه نوازندگی خاصی در روحیه آشکار می شود که اندکی باد صبا هم می تواند سیمهای آن را به ارتعاش درآورد  
صبا نسیمی است از مطلع ثریا، و در صبحدم های پاک مشک فشانی می کند و ثریا از ستاره های کم و بیش نورانی وجود ما هستند که در آغاز آسمان دیده می شوند.

## از آرامش

متبخر شدن با تفکر و تدبیر راز و طبیعت انسان است. به هر سو تمرکز کرده باشیم امواجی از همه سو پشت عدسی چشم، صف پشتیبانی تشکیل می دهند اما در پرده ی کاهلی نقشی وجود ندارد تا بتوان در آن نفوذ کرد یا به ما نفوذ کند.

[اسراء: ۲۰] كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

همچنان که بعضی ادوات ظاهر را مورد توجه خود قرار می دهیم یا برخی رفتارها را خوش تصور کرده و مورد توجه قرار می دهیم. به نرم افزارهای عامل در وجود خود نیز اگر متمرکز بمانیم کارکرد های بهتر آن بروز می کند. و اگر کتابی راهنما و شایسته و بایسته از کارخانه ی سازنده را نیاز داشته باشیم؛ آنوقت راغب می شویم که قرآن را به دقت بخوانیم؛ شامل انواع خواندن ها، روخوانی، ترجمه خوانی، زیاد خوانی، ظریف خوانی، صواب خوانی، لب خوانی و هر چه که باشد هنر این است که با این ترفندها راه خود را به درون آن باز کنیم و راز تبخر در آن تمرکزی است که از درون بجوشد. درونی که به درون دیگر تا هفت آسمان پیوسته است.

از زمین تا آسمان ها چیزی از ما دریغ نشده است اگر شده است شیطان با دست های خودمان ر بوده است.

تمام مخلوقات و آیات، نامه خدا هستند اگر به دقت خوانده شوند و جوابی برای آن نوشتیم آنوقت یک لبخند طلبکار می شویم. و نامه ی نا نوشته ای هم بر قلب دارند که با هر طپش یک سطر به

جلو می رود. گویا بسیار مخصوص و بر آب نوشته شده است و فقط قلب جهان می تواند آن را به گردش در آورد تا نبض آنها را بشنویم و فقط در آرامش ظهور می یابد و به عرش پیوسته است:

كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۷ سوره هود)

لذا اگر در قلب سکینه برقرار نباشد صدای هیچ نبضی را که نمی شنویم هیچ، ایمنی برای فرود کمک های پشتیبانی هوایی و آسمانی نیز وجود ندارد و در گردش جهان قرار نمی گیرد در شش آیه از قرآن سکینه آمده است و به نظر می رسد<sup>۱</sup> که هر تکرار که از این نوع باشد معنی ساخت و ساز و پرداخت حد اکثری را می دهد. پروژه ی تکمیل یافته است.

ت. در پنج آیه از این شش آیه سکینه از جانب خدا نازل شده است و به نظر می رسد هر چه پنج بار تکرار شده است قلب طپنده و گرداننده ی موضوع می باشد یا مرکز تشعشع است. نور کامل است؛ و یک بسته ی زمینی سکینه هم ضمیمه است که به آن خواهیم رسید.

به نظر می رسد که تکرار سه بار، نقش آسمانی پیام آوری و ابلاغ و ارسال و رسایی است وقتی بعد سوم پدیده ای حادث شد خلاء بعد چهارم نمود پیدا می کند یعنی هر مثلثی تشنه مربع خودش می باشد و طپش هدایت در ضلع چهارم آغاز می شود که اگر مادر آن باشیم صدای آن را می شنویم و اگر بینایی معمول داشته باشیم حد اقل چهار ستاره را در چهره ثریا می بینیم.<sup>۲</sup> این ها صداها و تصاویر آرامبخشی هستند.

گویا هر عدد طالب عدد بعدی در زمینه های مختلف است و هر تعدادی ریتم خاصی دارد:

مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ. (مجادله: ۵۸)

حتی خط ظاهری این آیه نشان می دهد که اسراری در سرشت این اعداد وجود دارد که بیشتر آیه را به خود اختصاص داده است.

۱- به عنوان فرضیه است و برای دیگر اعداد نیز دنبال خواهد شد

۲- اشاره به صدای قلب جنین و خوشه پروین

نجوی در جای دیگر عمل شیطانی است که بدون صوت است و رکن صوتی نیز قابل حذف است عدد دو و چهار اشاره نشده است همچنین اثر و نحوه عمل نجوا را باید درک کنیم. گویا اثر و نحوه ی اجرا را باید درک کنیم

اگر جمعیت نجوا کنندگان دو نفر باشد نجوای صوتی معنی ندارد اما مرجع اشاره ی آذنی حاکی از جمع های کمتر از سه می باشد زیرا دوی محذوف در اینجا یک دوی مخفی می باشد وقتی کسی یک من غیر واقعی از خودش بسازد یا شیطان برایش بسازد چنین اتفاقی می افتد بنابراین زوج های مطلوب و دوهای مطرود داریم که هر کدام بیت خود را پیدا می کنند اما فقط خانه های هدایت یافته هستند که رسمیت الهی دارند و اجازه داده شده که:

فِي بُيُوتٍ أذنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (نور: ۳۶)

بنابراین بیوت غیر حقیقی وجود دارد که فقط چهار ضلع دارند دیوار مرتفعی ندارند و اراده دارند تا بر خانه های حقیقی سایه افکنند و نجوای نا کار آمد آنها به رسوایی می رسد در ادامه باز هم به این موضوع اشاره خواهیم داشت. همینقدر کافی است که ما نباید خود را کس دیگری بنماییم و قلب خود را خانه ی الهی و هدایت های او کنیم. ما دو قلب نداریم که یکی را به دیگری بدهیم (اشاره به آیاتی دیگر)

مرور بحث خلاصه تر و مفید تر این می شود:

زوج مطلوبی ابلاغی یافتند و ثلاثه شدند. ثلاث تاب نیاورد و ضلعی افزود و خانه ای درست کرد که ممکن است درست نباشد و در آیه ۵۸ حذف شد یعنی خداوند با زوج ها و خانه های بی پایه همسایه نیست زیرا زوج اذن ندارد و خانه مؤذن ندارد.

سه مورد از پنج مورد آیات مربوط به سکینه، أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ تَكَرَّرَ شده که مربوط به پیامبر است. مثل این آیه:

[توبه: ۲۶] ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.

در دو آیه أَنْزَلَ السَّكِينَةَ قلبی است یعنی مستقیم به قلب وارد می شود.

[فتح: ۴] هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.

[فتح: ۱۸] لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

به نظر می رسد دو بار تکرار هم معنی پر و بال سرعت و دست و پای یاری می باشد و آن هنگامی است القا به یک آیت مکمل می شویم<sup>۱</sup> یعنی زوجی تشکیل می شود که عنقریب ممکن است مولودی داشته باشند و اگر فقط یک بار تکرار شده باشد نقش کلیدی خود را بازی می کند نقش کلیدی یعنی باید در گیر قفل یا چرخ دنده ای شود تا نمایش یابد و دربی گشوده شود.

در بستر آرامش در آیه ها ماجرا چه بود؟ ماجرا قدمهای از یک تا شش بود در سه مورد آن جنود الله وارد شده اند که بعد چهارم آن ایمان مجاهدان مومن بود و یک مورد مهر فتح و پیروزی است که در گام پنجم جریان می یابد و یک مورد مهر تقوی خورده است که جریان حد اکثری است و تقریباً همگی حاکی از پشتیبانی در این حالت است که امتیازات بی بدیلی هستند.

در یک مورد استثنایی، سکینه خارج از زمان حاضر، از خاندان موسی و هارون به نشانه ی ملک و صدارت تهیه شده و در جمعیت جدید ظهور پیدا کرده است و شاید برای اینکه خلوص آن زائل نشود در تابوت نهاده شده است شاید هم محفظه ی آرامش (تابوت) همان قلب است که می توان آن را به آیندگان هدیه داد.

مهبط سکینه برای مؤمنان اختصاصاً فی قلب و برای اولیا و پیامبران و همراهان آنها همه ی وجود اشاره شده است بدین معنی که همراهی پیامبر نیز آرامش قلب است و قلب ظرف اول آرامش است و سر ریز آن به همه وجود می رسد و از وجود به وجود سرایت می کند و اطراف را در بر می گیرد.

همچنین برای این دسته بعد از انزل لفظ جلاله و بعداً سکینه آمده است که قابل تفسیر است. ترسیم جایگاه برای نقش سکینه خارج از روحانیت انسان کار مشکلی است و راز آن مخصوص یک نفر یا یک گروه و امت است و دیگران شاید نتوانند بخوانند اما اگر یک نوع آگاهی از رفت و آمد آن داشته باشیم، بیدار باش است. چه موقع آمده است چه موقع رفته است و چرا؟ این موضوع در حصار اختصاصی خود معنی می شود و در مجموعه با دیگران و حول همدیگر چرخیدن، توجهی از آن را عطف به بطن و احوال درون نمی کند.

## از فضا سازی

هیچ فضای آماده ای در زمین وجود ندارد و همه جا با زمان و مکان پر شده است و پوشش جوّی آن را فرا گرفته است در زیر این اقیانوس بزرگ فقط می توان کار قطره را برای رسیدن به دریای دیگر تقلید کرد. قطره هیچ فضایی را خانه خود نمی داند.

و اینکه لازم نیست در جستجوی زمان و مکان خاصی باشیم چون آنها یکدست و یکسان در همه جا دیده و یا خوانده می شوند ما فقط اختیار فضای وجود خود را داریم که می توانیم فضای آن را از معرکه هر چیز، حتی زمان و مکان، خالی کنیم و آهنگ خدایی خود را نسبت به هیاهوی این زمان یا آن زمان؛ و این مکان و یا آن مکان، بلند تر کرده و در معیت اراده خود قرار دهیم.

کار قطره این است که در دامن ابرها تا آسمان بالا می رود و با نیروی باد به هر کجایی سفر می کند و با این تقدیرات به هر جایی که فرود آید راه خود را به سوی دریا پیدا می کند؛ و همیشه در گردش و جستجو است.

خطوط کتاب آفرینش به هر آهنگی که خوانده شود طنین آن نه امروز که تا مدت ها به کار خود ادامه خواهد داد و عاقبت به گوشهایی خواهد رسید.

شایسته است از همه دسته ها متن صوتی و تصویری و از همه مهمتر فایل های داده و الهامی ذخیره داشته باشیم.

فضای لازم را مهیا نموده و فایل های اضافه را پاک کنیم و نگران نباشیم اگر خطا باشد پیغامی برای ما ظاهر می شود که حذف این فایل ممکن است به دستگاه شما آسیب برساند! فایل سیستمی که قبلا نصب شده پیغام های خطا را اعلام می کند؛ اما پیغام صواب جایی نیست هر جا خطا نباشد صواب است. پیغام صواب پیغام وظیفه است. طنین پاداش انجام وظیفه هم تا آخر عالم دنیا و آخرت به تدریج نواخته می شود.

نرم افزارهایی که «بازی» نیستند را اضافه می کنیم. هر نرم افزاری امکانات نصب خودش را می خواهد از این بابت هارد، باید گنجایش لازم را داشته باشد و یا سعه صدر داشته باشیم و سی پی یو (مغز) هم توانایی درک و پردازش لازم را بدون در نظر گرفتن سرعت، دارا باشد. در این صورت نرم افزارها برای مدتی با تمام امکانات برای ما کار خواهد کرد. پس از آن هزینه عمومی آن با تقوای عام تأمین می شود.

تقوای عام آن است که هرکس برای اعمال و رفتار و گفتار خود حد و مرز قائل باشد. تأمین این تقوی خارج از دین نیز قابل حصول است «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ؛ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ» همین معنی را می دهد یعنی در بند نفس حیوانی نباشید.

سپس هزینه های درون برنامه ای و اختصاصی آن با تقوای خاص الهی تأمین می شود تقوای الهی آن است که اعمال و رفتار و گفتار و منش و شخصیت خود را از خداوند دستور بگیریم همانقدر که دائما در جستجوی آنها باشیم و ذکر آن را بگوییم کافست. **أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ** همین معنی را می دهد.

منبع تغذیه یا پاور این نرم افزار **عمل صالح** است و بدون آن به زودی شارژ آن تمام خواهد شد و همه یا بخشی از آن متوقف خواهد شد و آیات بسیاری (نزدیک به نود بار) این مورد را تذکر می دهد.

پشت در سیستم، بد افزارهای زیادی منتظر نصب هستند و تولید کنندگان آن خیل عظیمی از جتیان و انسیان می باشند که دائم در تلاشند تا هر نوع بد افزاری را تولید کنند. با یک قطره، آب چشم و تگه ای از یک دامن پاک، هر چند مدّت، آن ها را تمیز کنیم.

اخلاص، صداقت و توکل از ضد ویروس های بسیار قوی هستند که باید «هر لحظه بروز» باشند ولی خرید درون برنامه ای دارند می توانیم با فروش خشم، کینه، نفرت و امثال این ها، این هزینه ها را بپردازیم هرچه این ها کمتر باشد فضای خانه برای چیزهای بهتری که حتّی تصورش را هم نداشتیم باز تر می شود و یکی از آنها آرامش است.

چنانچه دستگاه شما معیوب شد، درهم ریخت و حتّی اگر شکسته شد و نتوانستید آن را با فایل های کمکی موجود و احادیث نمایندگی های مجاز و دیگران رفع کنید با همان به هم ریختگی و پریشانی و شکستگی به کارخانه سازنده مراجعه کنید. مدیریت کارخانه در تمام طول سال و در تمام مدت شبانه روز مهربانانه و استادانه سیستم شما را تعمیر خواهد کرد. این خدمت علاوه بر آن که کاملاً مجانی است پاداش مشتری هم دارد. اگر بعد از نیمه های شب مراجعه کنیم غالباً بدون نوبت رسیدگی خواهیم شد.

## از رصد کائنات

به دنبال نسخه ارتقا باشید. در فرصت های خاصی پیام آن به شما می رسد فرصت را از دست ندهیم بعضی ها به تعداد بیشماری سیستم عامل خود را ارتقا داده اند. ولی ویروس یاب های قوی تری هم باید نصب شود. به پیام های تبلیغی از طرف خود و دیگران در این زمینه توجه نکنیم یعنی نخواهیم کسی از ما تمجید کند یا آن را به حساب نیاوریم.

برای آنکه بتوانید به خوبی با دستگاه خود کار کنید باید با اصطلاحات زیادی آشنا شوید. به بخش لغات و اصطلاحات بروید هر روز یکی را انتخاب کنید و برای فهم معنی آن به دنیای بیرون و درون بروید آفاق و انفس را بگردیم. معانی آنها ممکن است روی یک قطعه جماد یا برگ نبات یا در چشم

جانوری نوشته شده باشد یا در بایگانی خودمان باشد. بعضی، همه جا معنی شده‌اند و برای بعضی بیشتر باید بگردیم. بعضی کم رنگ و بعضی متأسفانه به دست باد سپرده شده‌اند. همه جا معنی هست و همه جا نوشته شده، بگردیم تا بباییم بدون آنها بعضی از قوانین و فرصت‌ها و پاره‌ای از امکانات را از دست می‌دهیم، چون فهمی از جملات پیدا نمی‌کنیم.

شما قبلاً و در ابتدای آفرینش موافقت خود را با قوانین سایت اعلام کرده‌اید همیشه به آن وفادار بمانید. (الست)

هر چه بیشتر به شبکه وصل شوید. زیرا همیشه چیزهای جالب تری پیدا می‌شود که می‌توانید دانلود کنید و یا برای دیگران آپلود کنید ولی این کار را با افراد ناشناس انجام ندهید با کسانی انجام بدهید که مانند شما از ظلمات شب بیرون آمده باشند و چراغی روشن کرده باشند. ستاره بدهید دست کم به عدد ستاره‌ها ستاره بدهید یعنی تشکر کنیم و چیز دیگری برای تشکر نداریم. شما بگویید که گویا همین ستاره‌ها را هم نداریم.

این نرم افزار مخصوص شماسست و با دیگران تفاوت دارد سعی کنید به همه قسمت‌های آن آشنا شوید و انرژی خود را صرف رخنه به دیگران و هک و فک آنها نکنیم اما اگر بلوتوث کسی اجازه می‌دهد علاقه مندی‌ها را مبادله می‌کنیم.

کانال‌های پیام‌رسانی هم داریم که مدیران آنها ممکن است تا بیشتر از آسمان هفتم هم رسیده باشند و معراج گونه رهبری کنند.

آنهایی که بیدار شده‌اند آنلاین هستند آنها هم که آنلاین هستند ممکن است جی پی اس یا سیستم مکان‌یاب جهانی را خاموش کرده باشند. این بررسی را انجام می‌دهیم اما اجازه دسترسی به فایل‌ها، تصویرها و اسناد هیچ کس را نداریم. (نمونه‌ای از تقوای عام) فایل‌های آموزشی مخاطب محور، خاصه رکعتین را در بین خود بحث می‌کنیم. (نمونه‌ای از تقوای الهی) آنهایی که فقط در «یک رکعت» آنلاین باشند نقشه راه خود را مستقیماً از خداوند دریافت می‌کنند. ونصیب هدایت را



در لایه ها و عمق های متفاوت می گیرند و به خدا متصل می روند یا می آیند و کلیپ های زیبا از جهان و قرآن پیدا می کنند بدون این ذخیره ها انسان کور و کر است. (صم بکم عمی) وقتی ضامن هر آیه با تمام وجود کشیده شود محتوای آن از فکر سر ریز می شود و جمع کردن آن جز در قالب قرآنی آن بسیار مشکل است. این مشکل اگر از میان برود ظرف دیگران باید آماده باشد از این لحاظ بسیاری از سرمایه داران معنویت قرآن از ابراز آن چشم پوشی کرده اند اما تلاش کرده اند حلوای خود را سهم دیگران هم بکنند اما زبان هیچگاه یارای آن نیست و قلم توانایی بیشتری دارد. احساس بیشتر می داند اما به سختی می تواند رابطه برقرار کند. عشاق بیشتر می دانند ولی مستانه می گویند.

ابزارهای دست ساز هم داریم هر ابزار بشری یک پدیده خدایی است که ساز و کار آن را در حقیقت خداوند در ید بندگانش قرار داده است و یا مسخر انسان قرار گرفته است و ما از پس زمینه ی آن نقش بندگی را قسمت به قسمت ورق زده ایم و سر انجام با برند خود آن را عرضه می کنیم اما از این عرضه ها عرصه های دیگری پدیدار می شود که مجبور می شویم روز را از نو آغاز کنیم.

مثلاً در صحنه ها، تلسکوپي نگاه می کنیم و یا میکروسکوپي پیدا می کنیم و یا لیزری نشان می کنیم یا در نشان گرفتن از چشم و مگسک فراتر می رویم اما مجبور می شویم محتوی زندگی را فراتر از صوت و تصویر و سند تفسیر کنیم.

برخی از دستاورد های بشر قابل احترام است و نمی توان آن ها را نا دیده گرفت و مجموعه ای که در این عرصه تلاش داشته اند انسان هایی بوده اند که مورد عنایت خداوند بوده اند و دستی در دست او داشته اند و در گفته های بیشتر آنها این اذعان به صورت های مختلف اشاره شده است. هر چند آن را شانس یا اتفاق نامیده باشند. آنهایی که چرخ دانش را با زحمت خود جلو می برند شاید بیشتر تسلیم درگاه خداوند می شوند تا آنها که فقط پرچمی باشند. مطلوب است تا مجموعه ای از گفتار خداشناسی هر کدام در دست باشد تا بدانیم پرچم واقعی دین در دست کیست فقط اگر قائل به این نباشیم که خدا شناس متدین نیز وجود دارد.

با دوربین خود عکس بگیریم مهم نیست چند مگاپیکسل توانایی دارد. این کار را می توان در قرآن هم انجام داد و برای کوچکتر ها آلبوم های زیبا تهیه نمود در طبیعت و با طبیعت هم عکس های خوبی می دهد.

لک لکی که در کنار ساحل روی یک پا ایستاده است پیشنهاد خوبی به نظر می رسد. شاید می گوید پای دیگر، در جای دیگری باید نهاده شود تا حرکتی به هدف نزدیک تر و یا انگیزه ای دورتر شکل گیرد و یا یاد می گیریم هیچ انگیزه و هدفی را از پا نیندازیم.

ما هم بر آنیم که قلم «روش های آموزشی» را در حوزه قرآن در قالب پیشنهاد ات ضمنی در میان تصاویر خود از قلم نیندازیم.

در قرآن آیات روشن است ولی تصاویر آن بی رنگی است و کم کم در ذهن رنگارنگ می شود و داستان پیش روی آنها از پشت سر بیشتر است. از روبرو انگار چیزی از سواحل و حاشیه ها دور نشده ایم.

پیشنهاد می شود اولین تصاویر قرآنی خود را اینگونه ذخیره یا با دیگران در میان گذارید.

## از ملاطفت های آغازگر

در آیه ۲۶ سوره قصص؛ ببینید پیشنهاد چیست و از طرف کیست دلایل کدام است. (گفتگوی دختری با پدرش می باشد)

در ۴۱ فاطر؛ یک نفر آسمان را بر سر دست برده مبادا رهاش کند. (ما هم آستان بندگی خود را رها نکنیم)

در ۴۴؛ عکسی از مردان آهنین گذشته است که همه خاکسار چرخ مردگی خود شده اند.

در ۱۸ یاسین (قلب قرآن)؛ عدّه ای با دامن های پر از سنگ روبروی دو نفر دیگر ایستاده اند، یک نفر از اقصی نقاط با شتاب به سوی آنان می آید و سفره حق می اندازد. در آیات دیگر نیز کسانی به

همین گونه سر بر آورده و حق گفته اند. دانه آنها از چه خاکی رشد یافته معلوم نیست. شاید شما هم روزی گفته باشید یا بگوییم برای آخرین نفر از این دست در آیه زیر منتظر هستیم.

وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (نمل: ۸۲)

در ۳۰؛ عده ای هستند که برای هرگفتگویی فقط یک جواب داشته اند.

در ۳۳؛ بی جان، جاندار شده است و غذا آورده مهمان می طلبد.

در ۳۷؛ از تمام عرض زمین یک لایه جدا می شود و در تاریکی فرو می رود.

در ۳۹؛ یک نخل در آسمان هرس می شود.

در ۴۰ و ۴۱؛ خورشید نمی تواند به ماه برسد در قانون نیست و یک نفر جمعیت بسیاری را با کشتی به تماشا آورده است.

در ۵۰؛ انگار همه ی صدا های زمین در حنجره یک نفر ضبط شده و می خواهد همه را یک جا پخش کند. (صور)

در ۵۸؛ آنها که نمره ی بد آورده اند جدا می شوند.

در ۶۶؛ آیا می شود با چشمان بسته سبقت گرفت؟

در ۷۱؛ یک نفر مشغول ساخت ربات های عجیبی است و می خواهد آن را به ما هدیه بدهد. (انعام)

در ۷ همین سوره؛ عده ای کسی را انکار می کنند که با آن آشکارا گفتگو داشته اند.

قصد نداریم آلبوم عکس شما را پر کنیم. همه ی آیات خصوصاً هر جا «نظر یا تری و هم خانواده و مشابه آن» باشد چشم روشنی آورده اند؛ و آنجا که سفارش قرآن است از آنها تصویر دقیق تری برداریم.

## از تفکر و تدبّر

در آیات بسیاری از قرآن سفارش به تفکر و تدبّر شده است اما راه و رسم آن کمی روشن نیست و چراغ آن را می توان با این آیه روشن کرد و مسیر آن را پیمود:

[ذاریات: ۴۹] وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

همه چیز را خداوند زوج آفریده است از این همه زوج باید چیزی متذکر شد که اگر زوج ها نبودند امکان نداشت. لذا مسیر خود را در میان زوج ها قرار می دهیم اگر چیزی آشنای وجودمان شد آن را در اختیار شعور قرار می دهیم. ذکر محرک قوای دیگر است.

زوج ها را می توان متضاد، مخالف، مکمل، متقارن و یا ترکیبی از یکدیگر تصوّر کرد مسیر گاهی نزولی است گاهی افقی و گاهی صعودی.

الف — سیر نزولی

[اعراف: ۱۳۱] فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

اگر چیزی خوب بود برای ما بود و اگر بد بود از جای دیگری بود یعنی این برای من نمی تواند باشد.

سیر نزولی آن مکمل خواستن است. وقتی انسان به این می اندیشد که با کدام زوج کامل تر می شود به این سوی تفکر میل کرده است. در این مسیر فکر می کند تا از هر کجا چیزی جدا کند یا بیرون بیاورد و به خود و یا چیز دیگر ملحق کند و آن را با تغییر و یا بدون آن قابل، واز آن خود گرداند. این چیزی است که بشردستاوردهای بسیاری از آن بدست آورده است مثال آن در حیطه‌ی نیازهای فیزیولوژیک است. مثلاً گندم که چگونه انواع غذا شده است.

الزاماً الحاق چیزی به دیگری مثبت اندیشی نیست مثل آنکه بنده ای را برده ی خود کردن یا پنداشتن، بعضی رذائل اخلاقی از جانب همین الحاقیه ها صورت می گیرد. بعضی

چالش ها هم در همین رابطه است بنابراین به گندم یا هر آیتی به شکل دیگری باید نگاه کرد شاید شیطان از همین خصلت علیه آدم سوء استفاده کرد و اگر بنی آدم میزان تفکر خود را از سنگ جدا کنند مانند آنچه در آیه آمد تفاوت حسنه و سیئه را نمی توانند بشناسد چون منشأ و کارکرد آن را نمی شناسند و چیزی از این مسیر عاید آنها نمی شود. در آیه اندیشه ای که در باره موسی وجود داشته بر اساس ارضای نیازهای ظاهری صورت گرفته و برای او ارزش دیگری در نظر نمی گرفتند و با این اندیشه ی کوتاه موسی شناس نشدند و در پهلوی او قرار نگرفتند.

اگر با این شخصیت رهروی کنیم همواره یک پا و یا یک بال را برای خود بزرگ و قوی تر می کنیم و از پای و زوج دیگر غافل می شویم و راه رفتن ما در میان زوج ها معیوب می شود یا به عبارتی زوج ها متوقف می شوند کسانی که نتوانستند با موسی درست راه بروند با همین اندیشیدن متوقف ماندند.

#### ب— سیر افقی

سیر افقی تفکر، به قرائن پرداختن است. وقتی می اندیشد تا بال دوم خود یا چیز دیگری را طراحی کند و نقطه یابی می کند تا بتواند خطوط آن را رسم کند و از آن بهره برد چهره ی دیگر اندیشه است. این هم اندیشه ی عالی تری بوده است که بشردستاوردهای بیشتری از آن بدست آورده است. مثال آن در حیطه ی صنعت و تکنولوژی است همه ی آنچه انجام داده تا با سرعت قرینه ی تولید و مصرف قرار گیرند. مثلا این چیز می تواند پای رفتن من باشد یا دست جنگ من باشد. از این نظر بشر امکانات جدیدی بدست آورده است.

[کهف: ۸۴] **إِنَّا مَكْنَأُ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا**

اما تمکن و تسبب با هم فرق دارد. در مکننا یا استوار می شود و در سبب سازی در دست و دسترسی قرار می گیرد.

در آیه تمام جهان اسباب او شدند «یا مسبب الاسباب» که می‌خوانیم همین معنی است یعنی هر چیزی می‌تواند بال ما شود و دست کم یک پرواز با آن انجام داد.

بنابراین در تفکرات و تدبیرات خود و در همه جا باید نگران قطع و وصل اسباب باشیم و یادمان هم باشد که این کلمه در لیست کلماتی است که چهار بار در قرآن آمده است.

نگاه ما به گندم به عنوان یک آیت خداوندی دست‌آورد غذایی و یا مصنوعی ندارد. در گندم مجهول و سیرتی نهفته است که اگر زوج مادرانه ی او شویم و در سیرت خود آن را بکاریم و خداوند به آن سببیت عرضه کند آنگاه تمام منافع آن را هفتاد یا هفتصد برابر در خانه ی دل، ملک فرزندی خود می‌کنیم. اما گندم بهشتی برای حضرت آدم سبب سوزی داشت.

بنابر این در مسیر افقی اگر به فکر جستجو یا ایجاد یک بال برای موضوعی هستیم برای این ایجاد خداوند باید سببیت عرضه کند چرا این سببیت لازم است؟ مقدمه ای دارد که در جمله لا اله الا الله وجود دارد که در بطن آن بزرگترین زوج صادره از خداوند یعنی هستی و نیستی موج می‌زند هستی با نیستی بزرگترین زوج مطلق خداوند هستند و هستی مطلق یا نیستی مطلق وجود ندارد. اینکه لا و الا زنگ در خانه لا اله الا الله شده است بی حکمت نیست. این بانگ کوتاه تر هم می‌توانست بیان شود.

این مقدمه را در سیر صعودی ادامه می‌دهیم می‌خواهیم تک هستی خود را یا هستی انسان را با تک نیستی خداوند یک زوج کنیم که امری محال است چون خداوند محل نقش آفرینی خود را به کسی نمی‌دهد و ما نمی‌توانیم اراده او را در اختیار بگیریم بنابر این هوای نفس را رها می‌کنیم و به هستی خود باز می‌گردیم اما این معنی از هوای نفس را با خود بر می‌داریم یعنی همانطور که زوج بزرگ؛ تمام هستی و تمام نیستی از آن خداوند است انسان ضعیف النفس نیز برای خودش چنین تصویری می‌کند یعنی خود را قائم می‌پندارد و یک هاله و فضای نیستی هم ایجاد می‌کند و هر روز هوس می‌کند که چرخه در آن بزند و بیهوده بکارد و برداشتی نکند یا بیهوده برداشت کند و این معنای هوای نفس آدمی است.

مسیر توحید از میان ازواج می گذرد. در این ادامه متذکر شده ایم و فهمیده ایم که مطلقاً جز خداوند وجود ندارد لذا اگر نیستی را مطلق فرض کنیم، در حقیقت بال هستی را قیچی کرده ایم و فضای مطلقاً ایجاد کرده ایم که ممکن است خدای دیگری در آن برای ما ظهور کند. حال با چه ابزاری این قدر گستاخ عمل کرده ایم خداوند در آیاتی ذکر فرموده است که لازم است عبارت من اله غیر الله را در قرآن جستجو کنیم. همچنین آیاتی مثل این آیه که با مقدمه بالا معنای روشن تری از آنها بدست می آوریم.

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۲۲)

اما در آیات شواهدی برای معنای هوا وجود دارد که آوردن همه آنها در اینجا فصل را طولانی می کند و در هدف ما نیست اما آیات ابتدای سوره النجم را که در ظاهر دور از این بحث است را می آوریم.

وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ (۱)

نجم در آیات چندین کار انجام می دهند جایی ثابت است و جایی در کنار روایی هدایت انجام می دهند که به آنها اشاره خواهد شد اما در اینجا ستاره ای است که به ستاره های نفوس بی هوا نفوذ می کند تا مرکز آنها را روشنایی ببخشد

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۲)

کسی که در کنار شماست ضلالت پیشه نیست و در مقرر رشد و ارشاد ایستاده است

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳)

هر نطقی می کند از فضای خود ساخته خودش نیست او درون خود را برای خداوند تهی کرده است یعنی از نیستی چیزی اختیار نکرده و صاحب را خداوند می داند و معنی صاحب نیز روشن می شود که خداوند صاحب رسول ورسول صاحب مومنان شده است و هیچ کس برای خداوند صاحب نیست نیز روشن می شود یعنی کسی توان نزدیک شدن به خط قرمز خداوند را ندارد یعنی کسی

یارای پا گذاشتن به عرش که ما آن را صفحه نگاشت آفرینش معنی کردیم را ندارد آنجا اگر کسی نزدیک شد یک بالش سوخته می شود.

چشمه وحی از طریق قرآن کور نشده است اگر چشم به آسمان بگشاییم ممکن است نجمی هم بر دل ما بنشیند و از کوری در قرآن رهایی یابیم.

اگر این معناها را ندانیم بعضی دستورات را از دستور خارج می کنیم و می بریم و برخی را هرگز نمی آوریم و برد و آورد ما با قرآن کم می شود یعنی با آن نفس نمی کشیم مانمی توانیم از قرآن چیزی را منسوخ کنیم یا چیزی به آن بیفزاییم و خط قرمز آن را بشکنیم اما می توانیم گوش خود را به برد آورد های زنده ی آن باز کنیم و در آن نفس بکشیم و این معجزه قرآن است که باید به جای هوای نفس قرار گیرد.

آیه دیگری هست که شاید جای گفتگو در باره آن همین جا باشد. چون دو بال دارد زوج است و دو فضا دارد که اجازه یافته ایم در فضای خالی آن کشت و کار کنیم اما با آنچه در بالا گفته شد باید سببی از جانب خداوند به کشت و کار ما القا شود:

[بقره: ۲۲۳] نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

بواسطه وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ کسی که بار و دانه ای داشت و خواست تا آنها در دنیا ماندگار و سبب ساز شوند آنگاه به صلاحدید و اندازه لیاقت خودش نساء حرث آنها می شوند. نساء زوج مادرانه ی سیرت هایی هستند که یک قدم جلوتر در چمن خواهند رویید. از این رو در ازدواج سببیتی خاص عرضه می شود.

لذا حیوان کاری نداریم اما گیاه کاری داریم در حیوان کاری فرزند خصال ما هم که باشد قطع السبب است یعنی شخص مقطوع النسل است و سببی را تقدیم نفس خودش در آینده نکرده است و اینجا معنی کوثر را دریابیم که هر جرعه اش کثرت کثرت سبب سازی دارد (سوره کوثر)



شاید حضرت آدم هم با همین قول قرار با خداوند از عقوبت رهایی یافت تا بعد ها که به عهد خود را واریز کرد اجازه یافت تا حوا زوج مادرانه ی او شود.

ناگزیریم در فضای قرآنی مثالی بیاوریم در ظاهر برای اینکه به قران وارد شویم اسباب صرف و نحو را فراهم می کنیم اینجا صورت است و همه صحیح به نظر می رسد اما اگر این سبب آمیخته به جان نباشد کارایی چندانی ندارد بالی ساخته ایم ولی قرین بال خودمان نیست زوجی برگزیده ایم که کمتر یا زیاده از متغیر شایستگی های ماست بنابر این زوجه برگزیده جرعه کوثری نیست که او یک بال باشد و شما هم باید یک بال شوید (فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتَى سِتْنُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ) در توضیح خط بالا حضرت آدم نیز بال و پری از خود بلند و کوتاه کرد تا حوا هم آماده شد.

داستان آن را با زوج آیات مربوطه دنبال می کنیم.

[اعراف: ۲۲] فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.

[طه: ۱۲۱] فَاكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى

در هر دو آیه کار خلافی به سبب شیطان انجام شده است.

ابزار این است، غرور شیطانی که دستگیره آن در آدم بوده است. (زوج)

نوع عملیات با دلو پایین بردن یا در مرکز جاذبه زمین فرو افتادن.

رفتار: دو نام برای یک اقدام یکی چشیدن (ذَاقَا) و دیگری خوردن (فَأَكَلَا) و نتیجه ی هر دو مساوی.

طبق: اقدام مثبت به دنبال اقدام منفی.

بدت لهما سَوَاتُهُمَا: از بدی ها یعنی از آنهایی که در اقتضای آفرینش الهی نبوده و نیست چیزی که وجود نداشت ظاهر شد؛ بنابراین معلوم می شود هر سوئی به گردن اعمال بد ما ممکن است در

آینده هم بروز کند

اوراق الجنة: ورق الجنة این اضافه اضافه ی ملکی نیست؛ اضافه ی تخصیصی است. این ها اوراقی است که در فضای امروز ما هم پر و بال می‌زنند اگر هر برگی بر یک بدی سرپوش گذارد و آتش همه بدی ها خاموش شود چیزی جز بهشت نمی ماند و عورات از مصادیق سواه، است.

شجرة: درخت بی برگ و ماکول و ذائقه بر انگیز که دو نوع متضاد آن در قرآن آمده است که بی برگ هم نیستند اما برگ آنها شخصیت انسانهایی است که به آن چسبیده اند. ومولّد ثمر خاصّ خود هستند. شخص خبیث بر درخت خباثت میوه ی خدایی ندارد.

بنابراین از گروه الد الخصام نشویم که حرث و نسل انسان خدایی را هلاک می کنند و حسب الامر شیطان به خلقت های دیگر نیز رو می آورند. «فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ.» یعنی اگر برگ درخت خباثت ها شدیم تولید های نکوهیده ایجاد می شوند و اگر زوج آنها شدیم موالید نکوهیده می شوند. یک معنی نهفته در درخت متعدّد بودن آنها است مثلاً خرما یک درخت است و متعدد در جاهایی هست و هر درختی تولید مثل و تولید خود را دارد.

ناگفته هم نماند سیرت های نکوهیده و هرزه که پیدا نیستند لانه ای جز جن و انس ندارند. وشجرة ای نیز برای جتّیان متصور نیست چون از آتشند؛ در حیوانات نیز شجرة متصور نیست چون نمی توانند حول یک شاخ و تته گرد آیند و میوه هایی را تولید کنند شاید همین استثناء زنبور عسل، امتیاز قرآنی او باشد. شجرة، مخصوص برگ برگ انسانها ست که حول محور رسولان شجرة طیبه و حول محور شیاطین شجرة خبیثه را می سازند.

و گو اینکه شتر، کینه آموزی برای کینه سوزی دارد نه آموزش کینه توزی داشته باشد اگر شتر به سببی غیر از ناحیه خدا دست دراز می کرد آنگاه به این انگل مبتلا می شد اما اکنون یک فایل آموزشی تمام عیار برای انسان است. اگر اشتران می توانستند خود را تغییر دهند آنگاه عدّه ای از آنها می توانستند درختی از کینه را بسازند یا بکارند.

[شوری: ۲۰] مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ.

در این آیه نوع حرث کنترل می شود و یک نمونه از کاشت و برداشت آن نیز در آیه نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ آمد.

منظور دیگری هم هست که برای عبور از عسر و حصول یسر باید توان را به توان واقعی رساند و توان فقط در نزد خداوند است؛ اما اگر خود را یک محسوب کنیم به هر توانی برسیم بیشتر از وهم خودمان نخواهیم شد؛ اما اگر مثلاً تصورمان ۱۰ یعنی صفری در کنار احد باشیم آنگاه اگر به توان خداوند رسیدیم به جایگاه برتر صد میرسیم اما هنوز صفر هستیم و اگر مسیرتفکر ما در افق اینگونه باشد شایسته خلیفه الهی شده ایم.

مخلص کلام اینکه نوع تفکر ما باید ریشه دار باشد و بال و پای خود را از مسبب الاسباب داشته باشد تا هر روز درخت مطیب آن جوانه بزند و هر درختی غیر از این نوع نمی تواند برای ما ابد ساز باشد لذا روی خود را همواره از درخت ممنوعه بگردانیم. همه ی آنچه را گفتیم حافظ نیم بیت کرده است. باده پیش آر که اسباب جهان این همه نیست. اشعار سبب دار حکیمان خواندنی است. ترانه‌ها به ندرت سبب دار شده اند. بلبلان به بهشت می آیند تا این بار سبب دار بخوانند قرآن همه سبب ساز و سبب سازی است

ج- سیر صعودی.

معلوم و مجهول پیدا و پنهان و مانند آن زوج های دیگری هستند و تفکرات اساسی ما در همین میدان پا می گیرد.

می توان مانند مرغ روی یک پا ایستاد و آن موقعی است که نه قصد راه رفتن باشد، نه پرواز. اما مقاصدی هست که اندیشه سازی می کنند و خواه ناخواه انسان را در این مسیر به راه می اندازند.

در مسیر صعودی همواره صورت مسأله دیده می شود و مقصد بالا رفتن است، پیشرفت است و در این باره همواره پله های مفقوده جستجو می شود و هر روز انتزاعی تر پیچیده تر و کامل تر شده است ازهر مجموعه ای بهره می برد و در جمع، دانش بشری را ساخته است. در این مسیر بشر پله ها را به